



## گزارش «فرهیختگان» از سرنوشت گروه‌ها و کشورهایایی که با آمریکا همکاری کردند

# اعتماد به

# برجام‌های نانوخته



سید مهدی طالبی

روزنامه‌نگار

در چند دهه گذشته، هیچ‌گاه توافقات، پیمان‌ها، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی به اندازه سه‌سال گذشته بی‌اعتبار نبوده‌اند. این بی‌اعتباری را به‌وضوح‌ترین شکل پدیده‌ای به نام دونالد ترامپ به رخ جهانیان کشید. او از هر توافقی که گمان کند به نفعش نیست، خارج می‌شود و برایش هم مهم نیست، طرف مقابلش چه کسی است. اصل بدون اغماض برای او «سود» است و هر چیزی که فاقد این ویژگی باشد، باید از بین برود. بزرگ‌ترین توافقی که او از آن خارج شده است، برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام با ایران بود. این توافق همچون پیمان آب‌وهوایی پاریس، بیابنیه‌جی ۷ و... مکتوب بود اما آمریکا مدعی بود این توافق دیگر منافعتش را تأمین نمی‌کند، پس باید از آن خارج شود. در سوریه هم این اتفاق در چند روز گذشته افتاد. ترامپ به این جمع‌بندی رسید که دیگر کردها منافعتش را تأمین نمی‌کنند، پس فرمان جابه‌جایی نیروهایش را داد تا یکی از مهم‌ترین متحدانش در نبرد داعشی علیه داعش را در برابر ارتش مجهز ترکیه تنها بگذارد. کردها البته بیش از آمریکا از خودشان ضربه خوردند. آنان به چشم خود دیده بودند که آمریکا از چندین توافق مکتوب و بین‌المللی خارج شده است، با این حال به یک توافق نانوخته اعتماد کردند. آنان هم قربانی چیزی شبیه برجام اما مدل نانوخته آن شدند و تا حالا حدود ۴۰۰ نیرویشان را از دست داده‌اند، ۲۰ کیلومتر عقب‌نشینی کرده‌اند و ۲۰۰ هزار نفرشان آواره شده‌اند. این سرنوشت تلخ تمام کسانی است که به آمریکا اعتماد کردند. در این گزارش به بررسی چند نمونه از گروه‌ها و کشورهایایی که به آمریکا اعتماد کردند و ضربه این اعتماد را خوردند، پرداخته شده است.



### کردهای سوریه و بازار برده‌فروشان

فراموش کردن یک اتفاق، انسان را مجبور به تجربه دوباره آن خواهد کرد. این واقعیت کردهای سوریه است. اشتباهات محاسباتی آنان باعث شده از هر سو راخ، به جای یک‌بار چندین بار گزیده شوند و هر بار نیز هزینه آن را پرداخت کنند. در میانه بحران سوریه، دولت بشار اسد حاضر به ارائه امتیازهایی به کردها برای حمایت از دولت مرکزی بود اما آنان با اعتماد به آمریکا و وعده‌هایش، درخواست دولت را رد کردند تا با حمایت آمریکا منطقی‌های خودمختار در سوریه تشکیل دهند. در میانه نبرد با داعش، جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا «کمک نکردن به کردها را که در شهر کوبانی با داعش می‌جنگند»، «غیرمسئولانه و از نظر اخلاقی، بسیار مشکل» خواند تا قوت قلبی برای کردها باشد. کردهای سوریه با حمایت آمریکا، نفوذ خود را در شمال و شرق سوریه بیشتر کردند. گروه موسوم به «گردان‌های مدافع خلق»، کنترل کردستان سوریه (موسوم به روزاوا) را به دست گرفتند و با تأسیس سیستم خودمدیریتی سکولار دموکراتیک، توجه جهانیان را به این منطقه جلب کردند. کردها آنقدر به حمایت‌های آمریکا با بودجه‌ای که وزارت دفاع این کشور برایشان در نظر گرفته بود، ایمان داشتند که به تمام هشدارها درباره آمریکایی‌توجه بودند. در بهمن ۹۶ (فهریه ۱۸) سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان از کردها خواست به آمریکا اعتماد نکنند و مسائل خود را با دولت سوریه حل و فصل کنند، زیرا آمریکا در نهایت آنان را تنها خواهد گذاشت. نصرالله در آن سخنرانی گفته بود آمریکا فقط در حال سوءاستفاده از گردهاست تا برنامه‌ها و طرح‌های خود را در منطقه اجرا کند و زمانی که کارش تمام شود آنها را خواهد فروخت: «بدانید که آمریکا شما را الان به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد طرح‌های خودش از جمله در جنگ‌شان با سوریه و جمهوری اسلامی، با روسیه و محور مقاومت به خدمت گرفته است، اما در نهایت، فکر منافع خودشان هستند و از شما صرف‌نظر می‌کنند و شما را در بازار برده‌فروشان می‌فروشند». اما پس از شکست نقشه آمریکا در سوریه، همه چیز یکباره تغییر کرد. دولت آمریکا دیگر حاضر به هزینه کردن برای کردها نبود و بر همین اساس سال گذشته دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، از تصمیم خود برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه سخن گفت. هرچند این اتفاق در آن زمان نیفتاد اما هفته گذشته نوعی این اتفاق افتاد. پس از تماس تلفنی دونالد ترامپ و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، آمریکا اعلام کرد از بخش‌های کردنشینی که ترکیه قرار است برای ایجاد منطقه امن به آنها حمله کند، عقب‌نشینی می‌کند. پس از این تصمیم و آمادگی ترکیه برای حمله، کردها اعلام کردند آمریکا به وعده‌های خود عمل نکرد اما در آمریکا گوش شنوایی برای ضجه‌های آنها وجود نداشت و بر عکس ترامپ به‌نوع دیگری پاسخ آنها را می‌داد. او می‌گفت که وقت آن رسیده ما از منطقه و جنگ‌های قبلیه‌ای خارج شویم. رئیس‌جمهور آمریکا حتی در برابر انتقادات به تصمیم پایان دادن به حمایت از متحدش، در اظهار نظری عجیب گفت: «آنها به ما در جنگ جهانی دوم کمک نکردند؛ به‌عنوان نمونه آنها در جنگ نرم‌اندی به ما کمک نکردند». او افزود که کردها در کنار نیروهای آمریکایی برای «سرزمین‌های خودشان» جنگیده‌اند و ما پول خیلی زیادی را برای کمک به آنها خرج کرده‌ایم. او در نهایت گفت: «با این وجود ما کردها را دوست داریم». تا لحظه تنظیم این گزارش، حدود ۲۰۰ هزار کرد سوری آواره شدند و ترکیه حتی به دستگاه‌های تصفیه آب نیز حمله کرده است. بنابر اعلام وزارت دفاع ترکیه دست کم ۳۴۲ تن از نیروهای کرد در جریان این عملیات کشته شده‌اند. کردها یک‌بار دیگر قربانی اعتماد به آمریکا شدند. آنها تا بازار برده‌فروشان فاصله چندانی ندارند.

### داعش و اقلیم کردستان

اما این تنها خیانت آمریکایی‌ها به کردهای عراق نبود. گروهک تروریستی داعش پس از حمله به عراق، در اگوست ۲۰۱۴، از سه محور به سمت اربیل در اقلیم کردستان حمله می‌کند و سه نقطه مهم خازر، گوپر و مخمور را به اشغال خود درمی‌آورد. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان در ساعات بحرانی که اربیل در آستانه سقوط قرار داشت، بیش از پنج‌بار به آمریکایی‌ها پیام داد و درخواست کمک کرد اما هیچ اقدامی صورت نگرفت. حسین امیرعبداللهیان، معاون وقت عربی آفریقایی وزارت امور خارجه در این باره گفته که همین پیام را بارزانی به ایران فرستاد و ایران به سرعت وارد عمل شد و سردار سلیمانی شبانه با پرواز ویژه در اربیل فرود آمد و عملیات دفع حمله داعش را مستقیم فرماندهی کرد. دو روز بعد و پس از اطمینان آمریکا از شکست داعش، جنگنده‌های این کشور وارد نبرد با داعش شدند. اگر ایران در آن ساعات مهم وارد نبرد نمی‌شد، اربیل و اقلیم به صورت کامل سقوط می‌کرد. این دومین باری بود که کردها در عراق، خیانت آمریکایی‌ها را به چشم دیدند. البته اوضاع آنها در سوریه خیلی بهتر از عراق نیست.

### کردهای اقلیم کردستان

تقریباً تمام کردها چه در عراق و چه در سوریه، ضربه اعتماد به آمریکا را خورده‌اند. در عراق، رابطه آمریکا با کردهای «اقلیم کردستان» به چند دهه قبل و میانه دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد. جاه‌طلبی‌های صدام حسین تازه‌به‌قدرت‌رسیده در کنار اقداماتش علیه ایران به‌عنوان زاندام آمریکا در منطقه، موجب نگرانی شوروی و آمریکا از این کشور شد. ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا برای متوقف کردن صدام، در ماه می ۱۹۷۲، هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی اش را به تهران اعزام کرد. در نهایت کیسینجر به این جمع‌بندی رسید که باید با سازماندهی یک شورش کردی علیه صدام در مناطق کردنشین، وی را متوقف کند. آمریکا بلافاصله به ملامصطفی بارزانی، رهبر جنبش ناسیونالیستی کردها در عراق، کمک‌های مالی و لجستیکی کرد تا دولت عراق را تحت فشار قرار دهد و از این طریق تهران دست برتر را در مقابل همسایه غربی خود داشته باشد. آمریکا سه‌سال به کردها کمک‌های نظامی کرد و حتی سلاح‌های سنگین در اختیار آنان گذاشت. این همکاری دوسویه تا سال ۱۹۷۵ میلادی ادامه پیدا کرد. در این سال با ابتکار کیسینجر، ایران و عراق در نشست صلح الجزایر به توافق رسیدند. این نخستین خیانت آمریکا به کردهای عراق بود. آمریکا می‌توانست برای حفظ متحد کردی خود، بین آنها و حکومت صدام میانه‌گری کند اما این کار را نکرد و بلافاصله پس از پایان حمایت آمریکا از کردهای عراق با ارتش و ماموران اطلاعاتی صدام وارد شمال عراق شدند و کردهایی را که در سرنگونی حکومت، با آمریکا همراهی کرده بودند، دستگیر کردند. گفته می‌شود صدام علاوه بر اعدام حداقل چند صد نفر، دست به پاکسازی قومی زد. هزاران نفر از کردها برای نجات جان‌شان به ایران پناه آوردند ولی بازگردانده شدند. بارزانی برای نجات کردها، نامه‌ای به کیسینجر نوشت: «عالیجناب، شما و ایالات متحده مسئولیت اخلاقی و سیاسی نسبت به مردم ما دارید». این نامه هیچ جوابی به دنبال نداشت. بعدها هنری کیسینجر در نشست کمیسیون امنیت ملی آمریکا پرسیده شد که چگونه می‌توانید این خیانت را توجیه کنید؟ او در پاسخ گفت: «امور محرمانه امنیتی را نباید با کارهای خیرخواهانه اشتباه گرفت.»

### ترکیه و کودتای آمریکایی گولن

ترکیه به حفاظت از منافع آمریکا در منطقه و جهان زبانزد بوده و هست. معروف است در کنفرانس تأسیس اجلاس غیرمتمهدها در اندونزی، درحالی که تنها نمایندگان کشورهای غیروایسته به غرب و شرق حق حضور داشته‌اند، نماینده‌ای از ترکیه که در ناتو عضویت داشت، خود را به نشست رسانده و از آمریکا دفاع کرده است. این مساله گرچه میزان اعتماد و اهمیت آمریکا در نگاه ترکیه را نشان می‌دهد اما مانع از نگاه بالا به پایین این قدرت غربی به متحدش نشده است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در تحولات منطقه به‌ویژه در سوریه و یمن، موضعی یکسان با آمریکا داشت و حتی کشورش را تبدیل به کریدور انتقال تروریست از سراسر جهان به سوریه کرده بود. کسی گمان نمی‌کرد که با وجود این همکاری و حتی عضویت ترکیه در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) آمریکا نقشه‌ای برای کودتا در این کشور داشته باشد. ۱۵ و ۱۶ جولای ۲۰۱۶ عملیات کودتا در ترکیه به اجرا درآمد. دولت ترکیه می‌گوید فتح‌الله گولن، رفیق قدیمی و رقیب جدید رجب طیب اردوغان این کودتا را از ایالت پنسیلوانیا که محل سکونتش است، برنامه‌ریزی کرده است. حضور گولن در پنسیلوانیا و هدایت جریان کودتا در داخل آمریکا نمی‌تواند از چشم دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور پنهان مانده باشد، نکته‌ای که «خاورسولانا» دبیرکل سابق ناتو و مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا سال گذشته آن را افشا کرد. سولانا در همین رابطه در توییتش نوشت: «می‌خواهم اعتراف کنم». دبیرکل سابق ناتو سپس ادامه داد: «می‌دانستیم که در ۱۵ جولای سال ۲۰۱۶ میلادی (۲۵ تیر ۹۵) قرار است در ترکیه کودتایی روی دهد؛ اما به ترکیه کمک نکردیم. به همین دلیل است که ناتو باید از آقای اردوغان (رئیس‌جمهور ترکیه) عذرخواهی کند». ترکیه بارها از آمریکا درخواست کرده که با توجه به مستنداتی که از نقش گولن و گروه‌اش در کودتای ۲۰۱۶ این کشور وجود دارد و او را به آنسوا تحویل دهد، اما آمریکا آن را صراحتاً رد کرده و حاضر به این کار نشده است.

### طالبانیسم فرز ند لیبرالیسم

همزمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شوروی بنابر دلایلی به افغانستان در کنار مرزهای شرقی ایران لشکرکشی کرد. روس‌ها در این حملات جز اهدافی که از سرکوبی امواج اسلام‌خواهی جهت جلوگیری از صدور آن به آسیای میانه در سر داشتند، می‌خواستند یک گام دیگر به آب‌های گرم نزدیک‌تر شوند و در آینده پاکستان را وارد مدار خود کرده یا دولت را ساقط کنند. گام شتابان روس‌ها موجب شد آمریکا و متحدانش از جمله پاکستان، عربستان سعودی و امارات با استفاده از ظرفیت‌های وهابیت، پول سعودی و همچنین سوءاستفاده از رشد احساسات اسلامی، دست به تشکیل گروه‌های تکفیری در افغانستان بزنند. این گروه‌ها ضمن جذب نیرو از مردم افغانستان، لژیون‌های تکفیری از کشورهای دیگر مانند عربستان و پاکستان نیز جذب کردند. گروه‌های مورد حمایت جریان آمریکا چندگانه بودند اما در نهایت جناح غرب و متحدانش برای تسلط بر افغانستان یک تشکل نظامی را برمی‌گزیدند. قرعه این انتخاب به نام طالبان درآمد. این گروه علاوه بر اینکه ساخته و پرداخته آمریکا بود، غرب می‌توانست بهتر با آن تعامل کند. تسلط این گروه بر کابل، تضمینی بر محدود شدن نفوذ روس‌ها در افغانستان نیز بود. از سوی دیگر طالبان می‌توانست امنیت خطوط انتقال گاز از کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی در آسیای میانه را به جنوب تأمین کند. این خطوط می‌توانستند به کاهش نفوذ روسیه در میان این جمهوری‌ها منجر شوند. اینها دلایلی بودند که موجب شدند دولت بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا از تشکیل حکومت طالبان استقبال کند. با همکاری استخبارات ارتش پاکستان، ثروت شیوخ سعودی و دولت آمریکا، طالبان پا به عرصه وجود نهاد. آمریکا و متحدانش از هرگونه کمک‌های نظامی و آموزشی به این گروهک دریغ نکردند. بعدها «اصف‌علی زرداری»، رئیس‌جمهور اسبق پاکستان در جلسه‌ای خصوصی اذعان کرده بود که طالبان، گذشته مشترک آمریکا و پاکستان است. با این حال همزمان با روی کار آمدن جورج دبلیو بوش در آمریکا و ورود نومحافظه‌کاران به دولت، رویکردها در کاخ سفید تغییر کردند و یکباره طالبان ناخواسته از یک متحد، به دشمن غرب تغییر ماهیت داد. آمریکا به بهانه عدم همکاری طالبان با آمریکا در تحویل سمران القاعده، این گروهک را گروهک تروریستی خواند و به افغانستان حمله و اعلام کرد هیچ کشوری نمی‌تواند در این جنگ بی‌طرف باشد. طالبان متحیر از این تغییر ناخواسته، حتی حاضر به محاکمه اسامه بن لادن نیز نشد و در گام‌های بعدی اعلام کرد اگر آمریکا سندی مبنی بر دست داشتن او در حمله به برج‌های دوقلو ارائه کند، بن لادن را تحویل می‌دهد. اما آمریکا حاضر به هیچ توافقی نبود و با تشکیل ائتلافی جهانی، به افغانستان حمله کرد تا طالبان را نابود کند.

### ۳ دوره اعتماد صدام به آمریکا

می‌گویند زندگی سخت دوران کودکی صدام حسین، او را به این نتیجه رسانده بود که برای پیشرفت باید «به هیچ‌کسی اعتماد نکند». او با تکیه بر همین اصل با اقدامات خشونت‌آمیز خود و اعضای حزب بعث به حکومت رسید. میل جاه‌طلبی‌های صدام، آنچه در کودکی آموخته بود- به دست فراموشی نهد. دیکتاتور عراق پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، با چراغ سبز آمریکا وارد جنگ با ایران شد. در یکی از اسناد طبقه‌بندی شده کنگره که توسط رابرت پری روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی افشا شد، «زیگنیو برژینسکی» از قول ژنرال الکساندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا در دولت رونالد ریگان به چراغ سبز جیمی کارتر به پرنس «فید» ولیعهد وقت عربستان سعودی برای حمله صدام حسین به ایران اشاره شده است. پاییز سال ۱۳۵۹ «طارق عزیز»، نخست‌وزیر عراق به روزنامه فرانسوی فیگارو گفت که تیرسال ۵۷ (دو ماه پیش از شروع رسمی جنگ) یکی از مقامات بلندپایه آمریکایی [برژینسکی] در مرزهای غربی عراق با صدام حسین دیدار کرد و به او قول داد آمریکا در نبرد با ایران، پشتیبان رژیم بعث باشد. صدام با پشتوانه آمریکا، درحالی کشورش را وارد جنگ کرد که تولید ناخالص داخلی این کشور ۳۸ میلیارد دلار بود و ۵۵ میلیارد دلار نیز ذخیره ارزی داشت. سالی که عراق از جنگ خارج شد عراق ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی به کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس داشت. حجم بدهی‌ها باعث شد عراق برای جبران آن، به فکر تجاوز به کویت بیفتد. صدام ۲۵ جولای ۱۹۹۰ با «نپرل گانزلی»، سفیر وقت آمریکا در عراق دیدار کرد تا نظر این کشور را درباره حمله به کویت جویا شود. پیام آمریکا به صراحت «حمله کنید، نبود اما معنایی جز این نیز نمی‌داد». سفیر آمریکا می‌گوید: «ما هیچ نظری درباره کشمکش عرب با عرب شما نداریم، همانند نزاع شما با کویت». صدام هشت روز بعد به کویت حمله کرد و ظرف دوساعت به شهر «کویت» پایتخت کویت رسید. هفت ماه بعد، صدها هزار سرباز از نیروهای چندملیتی به عراق حمله کردند. بسیاری دلیل تله‌گذاری آمریکا برای صدام را ایجاد بهانه‌ای برای نابودی ارتش عراق می‌دانستند که با حمایت‌های چندین ساله غرب به پنجمین ارتش بزرگ دنیا تبدیل شده بود. صدام در آخرین سال‌های حکومتش آخرین فریبش را از آمریکا خورد. او با فاسسازی و اصرار آمریکایی‌ها، اغلب موشک‌های بالستیکش را نابود کرد تا زمینه‌ساز هجوم وسیع ائتلاف غربی در سال ۲۰۰۳ به این کشور شود. صدام هم خود و هم عراق را برای اعتماد به آمریکا از بین برد.

### عربستان تنها در آتش

جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق ترامپ، پس از ارسال ناوهایپامیر آبراهام لینکلن به خلیج فارس ایران را تهدید کرده بود که فرستادن این ناوهایپامیر و دیگر ناوهای جنگی همراه آن «پیامی روشن» برای ایران است که «هرگونه حمله به منافع آمریکا یا متحدان این کشور با نیرویی بی‌امان روبرو خواهد شد». پس از حملات انصارالله یمن به خط لوله پیمپاز نفت، همچنین تأسیسات نفتی آرامکو و کاهش ۵۰ درصدی صادرات نفت عربستان سعودی، همه توقع داشتند آمریکا با توسل به نیروی نظامی خود از این کشور دفاع کند. آمریکا اما هیچ‌حمایتی جز کلامی از سعودی‌ها نکرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پس از این حمله مدعی شد به عربستان کمک خواهد کرد اما این کشور باید ضمن پذیرفتن مسئولیت بیشتری در قبال امنیت خود، پول بیشتری را نیز در این راه به آمریکا بدهد. رئیس‌جمهور آمریکا که کشورش سالانه ده‌ها میلیارد دلار سلاح به ریاض صادر می‌کند در ادامه تأکید کرده بود که به سعودی‌ها قول نداده که حتماً آمریکا باید از آنها حفاظت کند. جواب دیگر مقامات آمریکایی نیز حاوی پیام حمایت از عربستان نبود. کمی بعد جوزف دانفور، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفته که ایالات متحده نمی‌تواند «چهارچشمی» مراقب خاورمیانه باشد. سناتور دیک دروین، دومین مقام ارشد دموکرات در مجلس نمایندگان آمریکا نیز گفت: «به این دلیل که آمریکا با عربستان سعودی پیمان امنیتی ندارد، هیچ‌تعمدی نیز برای دفاع از این کشور بر گردنش نیست حتی اگر شواهد نشان دهد عربستان از سوی ایران مورد حمله قرار گرفته است.»

### سرنوشت نامبارک «مبارک»

«هرکس با لباس آمریکا خود را بیوشاند، برهنه می‌ماند». این جمله‌ای است که حسنی مبارک، دیکتاتور مخلوع مصر به زبان آورده است. او یکی از برهنه‌ماندگان، پس از اعتماد به آمریکا است. حسنی مبارک در سال ۱۹۸۱ به ریاست‌جمهوری مصر رسید تا حافظ منافع آمریکا و مستحکم‌کننده پیمان کمپ‌دیوید با آمریکا باشد. در پیمان کمپ‌دیوید مصر ضمن پذیرفتن موجودیت رژیم صهیونیستی قبول کرد روابط اقتصادی با آن برقرار و راه عبور کشتی‌های این رژیم از کانال سوئز را باز کند. ارتش مصر از این زمان عملاً به تأمین‌کننده خواست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی تغییر ماهیت داد. دولت مبارک در راستای همین ماهیت جدیدش بود که با بستن مرزهای مصر با غزه، محاصره رژیم صهیونیستی علیه ساکنان این باریکه را تکمیل کرد و با شور کردن تنها چشمه آب شیرین این منطقه دو میلیون ساکنش را از آب سالم محروم کرد. خدمات مبارک به آمریکایی‌ها باعث نشد در تحولات بیداری منطقه، واشنگتن به حمایت از دیکتاتور مصر بپردازد. درخواست‌های مبارک از متحدش برای کمک با خونسردی رد شد تا او به دومین دیکتاتور عربی بدل شود که پس از تحولات اجتماعی سال ۲۰۱۱ قدرت را رها کند. مدتی پیش از حسنی مبارک، زین العابدین بن علی همتای تونسوی او که ارتباطی نزدیک با آمریکا داشت، به دلیل نابرابری در کشورش با تظاهرات مردمی روبرو شد و از کشورش گریخت. آمریکا به داد بن علی نیز نرسید.